

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد از فتح هجرت صورت نمی گیرد!

(ترجمه)

از ابن عباس رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلى الله عليه وسلم در روز فتح مکه فرمودند:

«لا هجرة بعد الفتح ولكن جهاد ونية وإذا استنفرتم فانفروا»

ترجمه: هجرت بعد از فتح نیست؛ اما جهاد و نیت است؛ هرگاه نفیر جهاد بر شما دمیده شد، به جهاد بروید!

در تحفة الأحوذی شرح جامع الترمذی آمده: (لا هجرة بعد الفتح) خطابی و دیگران گفته‌اند: در اوایل اسلام بخاطر این که تعداد مسلمانان اندک بود و به یک جامعه نیاز داشتند، هجرت به مدینه فرض بود؛ پس زمانی که مکه فتح شد و مردم گروه گروه به اسلام داخل می شدند، حکم هجرت به مدینه ساقط گردید؛ اما جهاد و نیت هجرت برای کسی که در دارالکفر زندگی می کند یا دشمن بر سرزمینش حمله کرده باقی مانده است. پایان.

هم چنین حکمت و جوب هجرت این بود که مسلمانان از آزار و اذیت کفار در امن نبودند؛ زیرا کفار کسانی را که مسلمان می شدند، شکنجه می کردند تا از دین خود بازگردند. بدین خاطر این آیه درباره شان نازل شد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [97: نساء]

ترجمه: بی گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می روند و (می بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده اند، بدیشان می گویند: کجا بودید (که اینک چنین بی دین و توشه مرده/اید و بدبخت شده/اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنان که باید به انجام دستورات دین نرسیدیم! فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین الله وسیع نبود تا در آن هجرت کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی!

حکم هجرت برای مسلمانی که در دارالکفر به اسلام وارد شده و می تواند از آن خارج شود، هم چنان باقی است. نسائی از طریق بهز بن حکیم بن معاویه از پدر او از جدش مرفوعاً روایت کرده:

«لا يقبل الله من مشرك عملا بعد ما اسلم و يفارق المشركين»

ترجمه: الله توبه از فرد مشرک بعد از اسلام را نمی پذیرد تا این که از مشرکین جدا نشود.

ابو داوود مرفوعاً از سمره روایت می کند:

«أنا بريء من كل مسلم يقيم بين أظهر المشركين»

ترجمه: من از هر مسلمانی که بین اظهار مشرکین (در سرزمین و جامعه) مشرکین زندگی کند، بیزارم.

این بر کسی حمل می‌شود که بابت دینش در امان نیست.

(ولکن جهاد و نیه) طیبی و دیگران گفته‌اند: این استدراک، حکم مابعد را از ماقبل جدا می‌کند و منظور این است که هجرت به معنای ترک وطنی که در نزد مردم محبوب بود، به سوی مدینه پایان یافته است؛ اما ترک وطن برای جهاد باقی است. هم‌چنین ترک وطن بخاطر یک نیت خوب مانند فرار کردن از دارالکفر و بیرون شدن برای کسب علم و فرار کردن بخاطر حفظ دین از فتنه‌ها و از این قبیل مسائل هنوز ادامه دارد. (وإذا استنفرتم فانفروا) امام نووی گفته: منظور این است که آن خیری را که با انقطاع هجرت پایان یافته می‌توان با جهاد و نیت صالحه حاصل کرد و اگر امام دستور داد که برای جهاد بیرون شوید، پس بیرون شوید.

هجرت یعنی رفتن از دارالکفر به دارالاسلام. الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (97) إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (98) فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا﴾ [نساء: 97-99]

ترجمه: بی‌گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می‌روند و (می‌بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان، و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده‌اند، بدیشان می‌گویند: کجا بوده‌اید (که اینک چنین بی‌دین و توشه مرده‌اید و بدبخت شده‌اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنان که باید به انجام دستورات دین نرسیدیم! فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین الله وسیع نبود تا در آن (بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری) کوچ کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است، و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی! مگر بیچارگانی از مردان و زنان و کودکانی که کاری از آنان ساخته نیست و راه‌چاره‌ای نمی‌دانند! پس امید است که الله از آنان درگذرد (چون قدرت هجرت نداشته‌اند) و الله بس عفوکننده و آمرزنده است.

هجرت از دارالکفر به دارالاسلام ادامه دارد و تمام نشده است. امام احمد از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمودند:

«إن الهجرة لا تنقطع ما كان الجهاد»

ترجمه: تا زمانی که جهاد وجود داشته باشد، هجرت تمام نشده است.

در روایت دیگر آمده است:

« لا تنقطع الهجرة ما قوتل الكفار »

ترجمه: تا زمانی که قتال با کفار ادامه دارد، هجرت ختم نشده است.

حکم هجرت برای کسانی که توانایی دارند، در مواردی واجب و در موارد دیگر مستحب است. لیکن کسی که توان آن را نداشته باشد، الله سبحانه و تعالی او را عفو کرده و مأمور به انجام آن نیست؛ زیرا بخاطر مریضی و یا اجبار به ماندن یا ناتوانی در کسانی مثل زنان، کودکان و امثال آنان، نمی تواند هجرت کند، چنانچه در ختم آیه هجرت آمده است.

بنابراین، بر کسی که قادر به هجرت باشد و نتواند دین خود را آشکار نموده و احکام واجبی اسلام را انجام دهد، هجرت کردن فرض است. چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [نساء: 97]

ترجمه: بی گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می روند و (می بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده اند، بدیشان می گویند: کجا بوده اید. گویند: ما بیچاره گانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنان که باید به انجام دستورات دین نرسیدیم! فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین الله وسیع نبود تا در آن (بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری) کوچ کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی!

اما برای کسی که قادر به هجرت است، ولی می تواند دین خود را اظهار کند و احکام شرعی را که بر او لازم است انجام دهد، هجرت کردن مستحب است، نه واجب. اما مستحب بودن او به این دلیل است که رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از فتح زمانی که مکه دارالکفر بود، به هجرت کردن علاقه داشت. واجب نبودن آن به این خاطر است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر مسلمانانی که در مکه ماندند، اجازه این کار را داد؛ نقل شده است که وقتی نعیم النحام می خواست هجرت می کرد، قومش بنی عدی نزد او آمدند و به او گفتند که نزد ما بمان و بر دینت باش؛ ما تو را از کسانی که می خواهند به تو آسیب برسانند، محافظت می کنیم و کسانی را که در گذشته محافظت می کردی، هم چنان محافظت کن - او سرپرستی یتیمان بنی عدی و زنان بیوه آنان را بر عهده داشت- از این رو مدتی ماند؛ سپس هجرت کرد. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: «قوم تو برای تو بهتر از قوم من برای من بودند. قوم من مرا بیرون کردند و خواستند مرا بکشند و قوم تو از تو محافظت کردند و مانع شدند.» (ابن حجر این حدیث را در الاصابه روایت کرده است) پس گفت: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم، بلکه قومت تو را به اطاعت الله و جهاد بر دشمن او بیرون کردند و قوم من مرا از هجرت و اطاعت الله باز داشتند.

مترجم: خالد یوسفی